

## پژوهش روش‌شناسانه در مهدویت‌نگاری شیخ مفید در کتاب الفصول العشره فی الغیبه\*

سیده منا موسوی<sup>۱</sup>

### چکیده

مهدویت‌نگاری گونه‌ای پژوهش در موضوع مهدویت است که در یک معنا به کاوش و معرفی آثار در زمینه مهدویت می‌پردازد. در این نوع پژوهش یک یا چند اثر در زمینه مهدویت، از حیث ساختار، محتوا، روش و مصدر یا در یکی از این چهار حیث مورد بررسی و تطبیق یا مقایسه قرار می‌گیرد. با این نگاه که چه مطالبی در این اثر آمده است و آنها چگونه ترتیب و تنظیم یافته‌اند. به مطالب و مسائل، با کدام یک از روش‌های توصیفی یا روش استدلال عقلی یا نقلی یا روش استقراء تجربی و یا استناد به شواهد نقض یا مؤید پرداخته شده است. در این پژوهش، این شیوه مطالعه با محوریت روش‌شناسی، پیرامون کتاب *فصول العشره* شیخ مفید انجام شده است. دست‌یافته‌های پژوهش در بخش بازخوانی اجمالی محتوای کتاب مزبور، پاسخ‌های استدلالی شیخ مفید به شبهات در زمینه وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه و ولادت او، طول عمر، علت غیبت و وجه جمع ضرورت امامت و غیبت امام بود. و در بخش روش‌شناختی، به شیوه حلی با به کارگیری روش‌های استدلال نقلی روایی و استدلال عقلی مبتنی بر برخی قواعد اصولی و منطقی، و به شیوه نقضی با به کارگیری روش استدلال نقلی تجربی و تاریخی و در مواردی تحلیل‌های روان‌شناختی بود. اما روش استدلال عقلی بر دیگر روش‌ها غلبه داشت.

### واژگان کلیدی

مهدویت‌نگاری، شیخ مفید، کتاب الغیبه، روش‌شناسی.

### مقدمه

مهدویت، به عنوان موعودباوری و وجود منجی در آخرالزمان برای نجات و رهایی انسان‌ها و برقراری صلح و عدالت مورد اتفاق همه ادیان الهی است و به صورت گوناگون مطرح است. باور به ظهور دوازدهمین امام شیعه، یکی از عقاید اساسی شیعه دوازده امامی است که ریشه

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

۱. استادیار گروه شیعه‌شناسی دانشگاه قم، ایران (mon\_2004\_m@yahoo.com).

قرآنی و روایی دارد و با اخبار قطعی الصدور و متواتر به اثبات رسیده است. این آموزه به جهت ارتباطش با مسئله عدالت، منجی‌گری، امید به آینده، چرایی و چگونگی غیبت و طول عمر حضرت بسیار مورد توجه و از دغدغه‌های بشر در تمام دوره‌های تاریخی بوده است. طرح مباحث، پرسش‌ها و شبهات در این باره در قالب گفت‌وگوهای شفاهی یا تالیفات و نوشته‌ها از همان قرون اولیه، حتی پیش از ولادت حضرت و نیز همزمان با آغاز عصر غیبت و تا کنون، شاهد این مدعا است. در این باره آثار بسیار فراوانی از متکلمان و علمای بزرگ اسلام برجای مانده است که یا به طور مستقل به آن پرداخته‌اند یا بخشی از تالیفاتشان را به مسائل پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه اختصاص داده‌اند. در این نگارش‌ها حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الیه از زوایای گوناگون از قبیل ولادت، زندگی، امامت، غیبت، طول عمر، انتظار، علائم ظهور، نحوه ظهور، رخدادهای زمان ظهور و مسائلی از این دست، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. همچنین گاه به شبهات و پرسش‌های مطرح پاسخ داده می‌شود.

مهدویت‌نگاری گونه‌ای پژوهش در مهدویت است که به معرفی آثار مرتبط با این موضوع می‌پردازد. می‌توان گفت مهدویت‌نگاری یک رویکرد پژوهشی است که به کاوش در آثار نگارش یافته در زمینه مهدویت می‌پردازد و آنها را از جهت ساختار، روش، مصادر و محتوا مورد مطالعه قرار می‌دهد. در بخشی از این نوع پژوهش انواع مباحثی که نویسنده در زمینه مهدویت به آن پرداخته است، بیان می‌گردد. مهم است بدانیم که نویسنده چه سیری به موضوعات داده است و آنها را با چه ترتیبی دنبال کرده است. سیر و ترتیب موضوعات، می‌تواند ما را به اهمیت مباحث نزد نویسنده و هدف او از این چنین رهنمون سازد. همچنین نوع مسائل مطرح، چینش آن و تعداد روایات وارد در آن، می‌تواند بیانگر نوع دغدغه‌ها و مسائل و شبهات رایج نزد مردم باشد و نیز هر مسئله چه میزان توجه نویسنده را به خود جلب کرده است.

از عصر غیبت کبری، و به تعبیر شیخ مفید الغیبه الطولی (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۱۱، ۳۴۰)، به دوران حیرت و بحران اعتقادی یاد می‌شود (جلالی، ۱۴۰۰ش: ۵۴ و ۶۰). به نظر می‌رسد این نام برگرفته از کلمات برخی عالمان قرن سوم و چهارم باشد. علی بن بابویه قمی هدف از تالیف کتابش را رفع انحراف و حیرت ناشی از غیبت امام گفته است (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ق: ۹). نعمانی نیز از سرگردانی و حیرت و گمراهی فراگیر شیعیان برخاسته از غیبت امام سخن می‌گوید (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰-۲۱). شیخ صدوق نیز از گسترش حیرت و تردید میان شیعیان پرده برداشته (صدوق، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ۲-۳)، کتابش را - که به منظور رفع این سرگشتگی می‌نگارد - کمال الدین و تمام النعمه فی اثبات الغیبه و کشف الحیرو نام می‌نهد. ترسیم و توضیح

عالمان قرن سوم و چهارم از اوضاع و احوال شیعیان آن زمان نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل سرگشتگی مردم، عجز از همراهی و درک پدیده غیبت و طولانی شدن آن (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ق: ۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۵۷) وجود جو تقيه‌آمیز بر پایه مصلحت حفظ جان امام (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۹۲) و آگاه نساختن همگان (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۳-۳۸)، و رواج شبهات و تردیدها (خزاز قمی، ۱۳۹۲ق: ۲۷-۲۸) بوده است. با فراگیر شدن شبهات و سردرگمی‌ها عالمان شیعه به ویژه در قرن ۴ و ۵ احساس وظیفه کردند تا با نگارش آثار به تبیین مسئله امامت و مهدویت پرداخته، شبهات را پاسخ دهند.

قرن سوم به جهت هم زمانی با آغاز عصر غیبت و قرن‌های چهارم و پنجم به جهت نزدیک بودن به زمان غیبت و حوادث پس از آن، مقطع تاریخی مهمی برای بررسی مسئله مهدویت است. تألیفات قابل توجهی در زمینه مهدویت و یا به طور خاص با عنوان *الغیبه*، به نگارش در آمده است (ری شهری، ۱۳۹۳ش: ج ۱۰، ۲۳۱-۲۴۵) اما رویکرد غالبی این آثار عمدتاً نص‌گرایانه و روایت‌محور بود. امری که برای ناقدان صحت احادیث، کارآیی لازم و کافی در پی نداشت. از این رو برخی عالمان شیعی سده چهارم و پنجم - در رأس ایشان شیخ مفید - با رویکرد عقلی وارد میدان شدند و بر اساس قواعد عقلی و کلامی به تبیین مسائل مهدویت و غیبت امام پرداختند. رویه او توسط شاگردانش سیدمرتضی و شیخ طوسی دنبال شد. بنابراین یک زاویه از مباحث مهدویت‌نگاری، بررسی روش نویسنده در طرح مسائل مهدویت است؛ از این حیث که بررسی شود رویکرد نویسنده بر کدام پایه عرفان، برهان عقلی، استدلال نقلی، تاریخی و یا تجربی است. و این، مسئله مقاله را سامان می‌دهد. پژوهش‌های مهدویت‌نگارانه با این نگاه، دیرینه طولانی ندارد و آثار در این باره محدود است. آثار یافت شده در این باره عبارتند از:

مقاله «مقایسه رویکرد مهدویت‌نگاری شیخ صدوق و شیخ طوسی» (۱۳۹۶)؛ که نویسنده به مقایسه شباهت‌ها و اختصاصات دو اثر مهدوی معروف این دو شخصیت یعنی *کمال‌الدین* و *الغیبه* می‌پردازد.

مقاله «کاوشی در مهدویت‌نگاری سیدهاشم بحرانی با محوریت کتاب *حلیة الأبرار*» (۱۳۹۹)؛ که با ارائه سه بخش مبناشناسی، سندپژوهی و منبع‌شناسی، به منظور بررسی وجوه تشابه و تمایز دیدگاه‌های مهدوی بحرینی با سایر علمای هم دوره‌اش نگارش یافته است. مهدویت‌نگاری در سده‌های نخستین (۱۳۹۹)؛ که به مقایسه مصدرشناسی دو کتاب *الغیبه* نعمانی و طوسی می‌پردازد.

آثاری که پیرامون کتاب *الفصول العشره* شیخ به نگارش درآمده‌اند عمدتاً به معرفی اجمالی کتاب پرداخته‌اند:

«غیبت و مهدویت و نگارش‌های شیخ مفید» (۱۳۸۴)؛ که ترجمه بخشی از کتاب *نظرات فی تراث الشیخ المفید* است.

«تالیفات معروف و موجود شیخ مفید: *الفصول العشره فی الغیبه*» (بی‌تا)؛ که نویسنده در ۴ صفحه کتاب را معرفی کرده است.

بررسی‌های روش‌شناسانه در آثار شیخ مفید نیز کمابیش انجام شده است؛ که یا عام و کلی است یا درباره دیگر کتاب‌های شیخ است. مانند:

«بررسی روش‌شناسانه کتاب *الجمال*» (۱۳۹۱)؛ که نویسنده به تحلیل مواضع علمی شیخ مفید در این کتاب می‌پردازد.

«روش‌شناسی کلامی شیخ مفید» (۱۳۹۳)؛ نویسندگان این مقاله شیوه نگارش آثار کلامی شیخ مفید و میزان بهره‌مندی او از عقل و نقل را بررسی کرده‌اند.

«روش‌شناسی شیخ مفید» (۱۳۹۷)؛ در این مقاله نویسنده با توجه به شرایط جامعه شیعی و مکاتب علمی در عصر شیخ مفید روش فقهی و اجتهادی شیخ مفید را می‌کاود.

چنان‌که ملاحظه شد پژوهشی روش‌شناختی با محوریت کتاب *الفصول* شیخ مفید انجام نشده است.

آنچه در این نوشتار از مهدویت‌نگاری شیخ مفید در کتاب *الفصول العشره فی الغیبه* مدنظر است، بازخوانی کتاب با تأکید بر روش‌شناسی است. این پژوهش برآن است روش شیخ مفید در پاسخ به شبهات مهدویت در کتاب *الفصول* را بررسی نماید. بدین منظور نخست از موضوعات مطرح در کتاب و ساختار و نوع چینش آن معرفی اجمالی خواهیم داشت. آن‌گاه روش‌شناسی شیخ در پاسخ به شبهات را می‌کاویم.

جنبه نوآورانه این پژوهش، یافته‌های آن است که عبارتند از: استخراج و کشف انواع روش‌های به کار رفته در پاسخ‌دهی شیخ مفید در تناسب با شبهات مطرح است که می‌تواند الگویی برای یک متکلم معاصر در رویارویی با شبهات باشد. قابل توجه است که: ۱. شیخ مفید در موارد بسیار، از نمونه‌های نقضی شبهه استفاده می‌کند؛ در تحلیل‌های عقلی خود، قواعد منطقی، اصولی و کلامی به کار می‌گیرد؛ و گاه به تحلیل روان‌شناختی سائل یا سوال می‌پردازد؛ ۲. در این کتاب، بسیار نادر به نقل روایی استناد جسته است. حال آن‌که غالب متکلمین با رویکرد نقلی به مسائل مهدویت پرداخته‌اند. این نکته در مسائل مهدویت پژوهی بسیار حائز

اهمیت است.

انتخاب شیخ مفید به جهت نزدیک بودنش به عصر غیبت (متوفی ۴۱۳) و کتاب *الفصول العشره فی الغیبه* اش که اختصاصاً (و نه در ضمن بیان مطالب دیگر) به پاسخ به شبهات مهدویت با رویکرد غالبی عقل‌گرایانه می‌پردازد، این پژوهش را بسیار در خور توجه می‌سازد.

## مفهوم‌شناسی

### ۱. مهدویت

«مهدی» در لغت عرب به معنی کسی است که خداوند او را به سوی حق هدایت کرده است. آن‌گاه به صورت عَلَم و اسم بالغلبه درآمد و المهدی که به آن نامیده شد کسی است که پیامبر ﷺ بشارت آمدن او را در آخرالزمان داده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ۲۵۴؛ زبیدی، ۱۹۶۵م: ج ۲۰، ۳۳۲).

«مَهْدَوِيَّت» واژه‌ای عربی و از ریشه «مهدی» است. مهدویت دو گونه کاربرد دارد: الف) یا مصدر جعلی است (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ج ۱۴، ۲۱۸۷۷)؛ که از اضافه شدن یاء مشدد و تاء مصدری به آخر اسم ساخته می‌شود؛ مانند انسانیت. در این صورت مهدویت به معنای مهدی بودن است. ب) یا اسم منسوب است که از اضافه شدن یاء نسبت به آخر اسم ساخته می‌شود و «تاء» آن تاء تانیث است. که به معنای منسوب بودن به مهدی است؛ مانند عَلَوی و حَسَنی. واژه مهدویت در این‌گونه مباحث مراد اسم منسوب است نه مصدر جعلی. مهدویت در اصطلاح یعنی روش، رفتار، فکر و عقیده‌ای که به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف انتساب داشته باشد. پس مهدویت در واقع اعتقاد به وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را دربردارد (جعفری، ۱۳۸۹ش: ۵۲؛ حسین جاسم، ۱۳۷۷ش: ۳۴).

آموزه مَهْدَوِيَّت در دین اسلام، گونه‌ای موعودباوری است که برگرفته از باور به ظهور امام دوازدهم شیعه است. براساس این آموزه، شیعه بر این باور است که حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشريف به عنوان منجی آخرالزمان برای نجات و رهایی انسان‌ها و برقراری صلح و عدالت خواهد آمد و حضرت عیسی مسیح عليه السلام و جناب خضر عليه السلام که هنوز زنده هستند در هنگام ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف از یاران او خواهند بود.

### ۲. مهدویت‌نگاری

مهدویت‌نگاری به دو معنا کاربرد دارد. در یک معنا مراد تالیفات و آثاری که در زمینه امام مهدی عليه السلام به نگارش درآمده‌اند، از حیث زمان تألیف، تعداد مولفین، تعداد آثار و نوع

موضوعات و مسائل مطرح در آنها، گزارش شوند (به عبارت دیگر به شماره آوردن آثار مهدوی). کاربرد دیگر مهدویت نگاری آن است که هر اثر نگارش یافته در زمینه مهدویت، از حیث ساختار، مصادر، روش و محتوا مطالعه و بررسی و گاه مقایسه و تطبیق شود. در این نوع پژوهش، یک اثر تألیفی از حیث شکل ظاهری و صوری، شروع و خاتمه آن، فهرست، تعداد باب‌ها یا فصل‌های تشکیل دهنده و نحوه چینش آن، از حیث نوع مسائل و موضوعات مطرح در آن از قبیل ولادت، امامت، زندگی، غیبت، نشانه‌های ظهور، حوادث دوران ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف و شبهات پیرامون آن، از حیث قدمت و تأخر، وثاقت و عدم وثاقت و نوع مصادر و منابع آن و اساتید و شیوخ مؤلف، و از حیث سبک و روش به کاررفته شده در تبیین موضوعات یا پاسخ به شبهات از قبیل تکیه بر نقل، عقل، تجربه و شواهد عینی و تاریخی و... بازخوانی و واکاوی می‌شود.

### ۳. شیخ مفید

محمد بن محمد بن نعمان در ۱۱ ذی القعدة سال ۳۳۶ ق (نجاشی، ۱۴۰۷ ق: ۳۹۹ و ۴۰۲) یا ۳۳۸ ق (طوسی، ۱۴۱۷ ق: ۲۳۹) در عکبری نزدیکی بغداد (حموی، ۱۳۹۹ ق: ج ۴، ۱۴۲) به دنیا آمد.

پدرش شغل معلمی داشت و بدین جهت شیخ مفید به «ابن المعلم» مشهور بوده است (عسقلانی، بی تا: ج ۵، ۳۶۸). عکبری و بغدادی نیز دو لقب دیگر او هستند. در خصوص ملقب شدن به مفید، گفته‌اند: در مناظره‌ای که با علی بن عیسی رمانی دانشمند معتزلی (حموی، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۴، ۷۴) داشت، توانست استدلال‌ات طرف مقابل را باطل کند؛ پس از آن رمانی او را «مفید» خواند. و در نقلی دیگر در مناظره‌ای که با قاضی عبدالجبار معتزلی داشت وی او را مفید نامید (شوشتری، ۱۳۶۵ ش: ج ۱، ۴۶۴-۴۶۵).

او همچنین نزد حسین بن علی بصری معروف به جَعَل از اساتید بزرگ معتزله و ابویاسر شاگرد متکلم نامی ابوالجیش بلخی علم کلام آموخت و به پیشنهاد ابویاسر در مجلس درس علی بن عیسی رمانی دانشمند معروف معتزلی نیز شرکت کرد (همان: ۴۶۴).

رجالیون، شیخ مفید را فردی تیزفهم، حاضر جواب، پیشتاز در دانش کلام و فقه رئیس متکلمان شیعه و مقدم بر دیگران در علم کلام توصیف و معرفی کرده‌اند (ندیم، ۱۹۸۸ م: ۲۲۶ و ۲۴۷؛ طوسی، ۱۴۱۷ ق: ۲۳۸). مکدرموت سن شیخ مفید را در زمان ریاست شیعیان، چهل سال تخمین زده است (مکدرموت، ۱۳۶۳ ش: ۱۱).

شیخ مفید با رویکرد اعتدالی و میانه خود (نه عقل‌گرای افراطی و نه حدیث‌گرای افراطی) (فرمانیان، ۱۳۹۴ ش: ۱۶۱؛ صفرجبرئیلی، ۱۳۸۹ ش: ۱۹۸-۱۹۹)، در دفاع از عقاید شیعه، به نقد دیگر مکاتب یا مناظره با علماء دیگر مذاهب می‌پرداخت (شوشتری، ۱۳۶۵ ش: ۴۶۷-۴۷۳).

شیخ مفید متوفای ۴۱۳ ق است. شیخ طوسی، ازدحام مردم از همه مذاهب برای نمازگزاردن و گریستن در فقدان او را بی‌سابقه توصیف کرده است (طوسی، ۱۴۱۷ ق: ۲۳۹). او چند سالی در خانه‌اش مدفون بود و سپس به سوی مقابر قریش، نزدیک مرقد امام جواد علیه السلام برده شد (نجاشی، ۱۴۰۷ ق: ۴۰۲-۴۰۳). مقبره وی اکنون در حرم کاظمین قرار دارد.

#### ۴. درباره کتاب الغیبه

*الفصول العشره فی الغیبه* نام کتابی است که رجالیون و پژوهشگران انتساب این کتاب به شیخ را قطعی دانسته (مفید، ۱۴۱۴ ق: ج ۳، ۲۷ (مقدمه کتاب)) و به آن تصریح کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷ ق: ۳۹۹). از این کتاب با نام‌های متعدد و البته نزدیک به هم یاد شده است؛ مانند: *الاجوبه عن المسائل العشر، کتاب الغیبه، المسائل العشره...* (مفید، ۱۴۱۴ ق: ۲۸) کتاب دربردارنده پاسخ به مهم‌ترین شبهاتی است که در آن زمان درباره امام منتظر مطرح بود. شبهات وارده در ارتباط با ولادت امام، طول عمر حضرت، فائده امام غائب و طریق شناخت امام غائب است که شیخ مفید طی ده فصل به پاسخ اساسی و ریشه‌ای یا مناقشه با آن شبهات پرداخته است.

شیخ علت تألیف کتاب را پاسخ به درخواست یکی از علماء معرفی کرده است که از او خواسته است درباره شبهات در خصوص امام زمان علیه السلام بنویسد. شیخ هم این کتاب را در ابوابی در قالب سوال و جواب براساس شواهد حق و حجت عقل و کتاب و سنت می‌نگارد (مفید، ۱۴۱۴ ق: ۴۱-۴۲).

اهمیت این کتاب از آن جهت است که در مقام پاسخ و دفع مهم‌ترین شبهه‌هایی است که در آن زمان مطرح بود و شیخ به بهترین و مختصرترین وجه پاسخ داده است. گیرایی و متفاوت بودن رساله از این حیث است که با وجود اختصارش، شیخ به شبهاتی در ارتباط با ولادت حضرت، انگیزه و علت غیبت امام، عمر طولانی امام، نحوه اثبات امامت امام در هنگام ظهور، تناقض وجوب وجود امام و مصلحت غیبت و... در طی ده فصل براساس آیات، براهین، مثال‌ها و نمونه‌های مشابه در انبیا و حکما و داده‌ها و تجارب تاریخی پاسخ داده و

مناقشه کرده است (مفید، ۱۴۱۴ق: ۲۹-۳۰) از دو مورد کتاب تاریخ تألیف کتاب به دست می‌آید: در مقدمه کتاب آن جا که فهرست فصل‌ها را بیان می‌کند در فصل ششم می‌گوید تا زمان ما اکنون که سال ۴۱۰ است (مفید، ۱۴۱۴ق: ۴۷) و مورد بعدی در فصل ششم است که می‌گوید تا زمان ما امروز که سال ۴۱۱ است. از این دو مورد به دست می‌آید که ظاهراً آثار تالیفش اواخر سال ۴۱۰ و پایان تالیفش سال ۴۱۱ بوده است.

### ساختار و محتوای کتاب الغیبه (بازخوانی کتاب)

بخشی از کار مهدویت‌نگاری آشنایی با ساختار و محتوای کتاب است. گرچه تمرکز این پژوهش بر روش‌شناسی است اما به منظور آشنایی اجمالی با کتاب، گزارشی مختصر از ساختار و محتوای آن ارائه می‌گردد.

#### مقدمه کتاب

در مقدمه مولف پس از حمد و ستایش خداوند، از تالیفاتش در باب امامت، ویژگی‌های امام و سبب قیام یا عدم قیام آنها و غیبت آخرین امام گزارشی می‌دهد و بیان می‌دارد که در این باره و درباره فساد مذهب مخالف گفتار روشن و آشکاری را ارائه کرده است (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ۴۱-۴۲).

او همچنین از دلیل نگارش کتاب می‌گوید که یکی از افرادی که بر گردنم حق دارد و اعتقاد به ادای حقش دارم، سوال‌هایی درباره امامت امام زمان به ذهنش رسید. بر خود لازم دیدم که به سوال‌هایش بر همان ترتیبی که مطرح کرده پاسخ دهم (همان: ۴۲).

شیخ در این نسخه نام آن فرد را نمی‌برد. ولی به دو جهت به نظر می‌رسد عالم بزرگ و محبوبی بوده است و خودش به این شبهات اعتقادی نداشته است. بلکه این شبهات در زمان خودش مطرح بوده، آنها را ترتیب داده و برای شیخ مفید فرستاده است. اولاً به جهت تعریف و ستایشی که شیخ مفید از او کرده است؛ ثانیاً به جهت ردیه‌های شیخ در آخر فصل دوم کتاب بر فرقه‌های ضاله‌ای که سائل در سوالش آورده است.

اما در نسخه دیگر، کاتب نسخه، اسم سائل را به تفصیل آورده است که او رئیس ابو العلاء ابن تاج الملک است (همان: ۳۱).

شیخ مفید روش خود در پاسخ به این شبهات را استفاده و استناد به حجت عقلی و سنت و کتاب معرفی کرده است (همان: ۴۲) و بیان می‌دارد که هدف از تدوین و ترسیم این فصول آن است که گفتار در این باب را به گونه‌ای بیاورد که تمام صاحبان خرد به آن مطالب شناخت



یابند و در شناخت آن نیاز به تفکر طولانی و مراجعه به اصول و مبانی دیگر کتاب‌ها نداشته باشند (همان: ۴۲-۴۳).

### فصل‌های کتاب

شیخ مفید در ابتدا صرفاً به معرفی اجمالی شبهات مطرح در هر فصل می‌پردازد، سپس در ده فصل جداگانه مجدداً شبهه را مطرح و به تفصیل و به روش‌های مختلف پاسخ می‌دهد.

### دسته‌بندی شبهات

- (الف) شبهات در قالب بیان تناقضات (شبهات در مسئله ولادت)
  - تناقض استتار ولادت با حکم عرف و عادت (فصل اول)
  - انکار ولادت امام به استناد قول جعفر بن علی (برادر امام عسکری علیه السلام) (فصل دوم)
  - انکار ولادت امام به استناد وصی قرار دادن امام عسکری مادرش را (فصل سوم)
  - تفاوت (عدم هماهنگی) رویه و سیره امام عسکری علیه السلام با پدرانش با توجه به یکسانی شرایط؛ استبعاد انگیزه امام در استتار ولادت؛ تناقض در احوال عقلاً (فصل چهارم)
- (ب) شبهات در مسئله غیبت
  - طولانی بودن غیبت و نامعلوم بودن مکان استقرار امام و نبود خبر و اثری از او در تناقض و تنافی با طول مدت عادی و عرفی (فصل پنجم)
  - نقض عادت بودن عمر طولانی (فصل ششم)
  - تناقض استمرار غیبت با وجه نیاز به حضور امام در حفظ و اجرای شریعت (فصل هفتم)
  - نقض و بطلان ادعای امامیه با همان دلیل بطلان دیگر فرقه‌ها (فصل هشتم)
  - خودمتناقض بودن ادعای امامیه در مصلحت داشتن وجود و ظهور امام و مصلحت داشتن غیبت (فصل نهم)
  - خودمتناقض بودن ادعای امامیه در انحصار معجزه به پیامبر صلی الله علیه و آله و اجرای معجزه به دست امام در هنگام ظهور برای معرفی خود؛ شیوه شناخت امام برای کسی که او را ندیده است (فصل دهم)

### روش‌شناسی کلامی شیخ مفید

روش شیخ مفید به عنوان احیاگر مذهب و عقائد شیعه در زمانه زبانه کشیدن‌های جماعات و مذاهب گوناگون و اتهام معتزلی یا اخباری خواندن شیعه (ابن تیمیه، ۱۹۸۲م، ج ۱، ۱۶)، طراحی رویکرد عقلی معتدل، متقن و قوی بود. در فضای عقل‌گرایی افراطی معتزلی و

نص گرایي افراطی اهل حدیث شیخ مفید راه میانه را برگزید و با رویکرد اجتهادی خود نقطه عطفی در سرآغاز کلام امامیه شد. به گونه‌ای که پس از او، عقل‌گرایی در تفکر کلامی امامیه توسط شاگردانش (سیدمرتضی و شیخ طوسی) در مسیر تکامل و سیر صعودی قرار گرفت. او علاوه بر رد اتهام معتزلی‌گری (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ۴۱)، در اوائل المقالات و نیز در النکت فی مقدمات الاصول ضمن بیان عقائد امامیه به نقاط افتراق با معتزله اشاره کرده و آنها را رد می‌کند.

صرف نظر از اختلاف آرائی که در رویکرد شیخ مفید به ادراکات عقلی و استقلال یا عدم استقلال آن از نقل وجود دارد (ر.ک: اهل سرمدی، ۱۴۰۰)، سیر و جستجو در آثار شیخ مفید، نمایان می‌سازد که روش فکری و مشرب کلامی او متکی بر عقل و تدبر و تعمق عقلی است. مروری به اوائل المقالات که سراسر استدلال عقلی است گواه بر این مدعا است (برخی نمونه‌های استدلال عقلی: مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ۵۷-۶۱؛ مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ۷۰، ۱۱۱، ۱۱۲-۱۱۳، ۱۴۶-۱۴۹).

شیخ مفید، عقل را به قوه و نیروی غریزی یا ابزاری تعریف می‌کند که به سبب آن می‌توان به شناخت امور دست یافت (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۱۰-ب، ۲۲). از مجموع عبارات او درباره عقل برمی‌آید که او علوم و یافته‌های عقل نظری و عملی را اعم از بدیهی و نظری هر دو را حجت و قابل اعتماد می‌داند (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ۴۴ و ۴۶؛ ج ۸، ۷۱، ۱۶۹؛ ج ۴، ۵۷؛ ج ۱۰-الف، ۲۷، ۴۶ و ...).

شیخ برای ادراکات عقل به عنوان یک منبع مستقل، حجیت و اصالت قائل است. او راه حجیت قرآن را عقل می‌داند (همان: ج ۹، ۲۸). همچنین قائل به وجوب نظر و استدلال در خداشناسی است (همان: ج ۱۰-ب، ۲۰؛ ج ۴، ۶۱). اما در عین حال آن را منفک و بی‌نیاز از نقل نمی‌داند. بلکه برای غفلت‌زدایی از عقل، به تنبه و برانگیختگی وحی الهی نیاز است؛ تا چگونگی استدلال را به او بنمایاند (همان: ج ۹، ۲۸؛ ج ۴، ۴۴). او در این باره همگام و همراه با آموزه دینی پیش رفته است. آن‌جا که امام علی علیه السلام فلسفه بعثت پیامبران را ادای پیمان فطرت و آشکار کردن توانمندی‌های خفته عقل معرفی کرده است (سیدرضی، ۱۳۸۹ق: خطبه اول، ۲۴).

او در مباحث کلامی و اعتقادی از عقل به عنوان منبعی مستقل بهره می‌گیرد؛ اما در موارد نارسایی عقل، به روایات و متون حدیثی توجه و مراجعه دارد؛ رجوعی که همراه با دغدغه دقت‌سندي و تأمل مدلولی است. وی در مواجهه با نقل، عقلانی رفتار می‌کند و در نقد و ارزیابی

حدیث، اصول و معیارهای عقل را به عنوان ابزار و روش به کار می‌گیرد (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۷-ب، ۷۱-۷۷؛ ج ۳، ۹۰؛ ج ۹، ۲۹ و ۳۸؛ ج ۵، ۴۴، ۱۱۴). از نظر شیخ جدای از مواردی که عقل، توان قطع و یقین در آن حیطة را ندارد و اساساً یکی از دلایل لزوم بعثت را همین می‌داند (همان: ج ۴، ۴۴)، عقل یافته‌های معتبری دارد که ملاک و معیار در شناخت صحیح از سقیم روایات است. از این رو سطحی‌نگری و عدم تعمق در فهم روایات را مردود و مایه کج‌فهمی می‌داند (ر.ک: مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۶، ۱۰۲؛ ج ۲، ۱۵۰)؛ فکر و نظر در احادیث و اخبار را صحیح و تقلید در این باره را مذموم می‌داند (همان: ج ۵، ۷۲) و در تعارض عقل و نقل، دلیل عقلی قطعی را ترجیح می‌دهد، حدیث مخالف را فاسد دانسته، آن را طرد می‌کند (همان: ج ۵، ۱۴۶-۱۴۹)، به تاویل و تفسیر آیات و روایات می‌پردازد (همان: ج ۵، ۱۰۶؛ ج ۷-ب، ۵۲)؛ عموم ایه را با حکم عقل تخصیص می‌زند (همان: ج ۲، ۱۵۰) و حجیت خبر واحد را همراه قرینه اطمینان‌آور از سوی دلیل عقلی می‌پذیرد (همان: ج ۹، ۴۵؛ ج ۷-الف، ۴۶) و این چنین خبری را با وجود ضعف سندی، می‌پذیرد (ر.ک: مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۱۰، ۱۵-۱۶؛ ج ۲، ۳۳۴).

رویه عقلانی شیخ مفید در کتاب *الغیبه* نیز قابل ردیابی است. او به موازات بهره‌گیری از عقل در نقد و فهم حدیث، به تناسب شبهات مطرح، به گونه‌های مختلف با استنادات عقلی، نقلی، تجربی و تاریخی اقدام به پاسخ کرده است که این خود رویه‌ای عقلانی است. در ادامه به تفصیل با روش ایشان آشنا می‌شویم.

## روش‌شناسی پاسخ به شبهات در کتاب *الغیبه*

### ۱. استدلال و تحلیل عقلی

در فصل دوم آن‌جا که مستشکل در نفی ولادت امام به قول جعفر برادر امام عسکری علیه السلام تمسک می‌کند، شیخ مفید به استناد انگیزه‌های جعفر، داده‌های تاریخی و نمونه‌های مشابه به شخصیت‌شناسی جعفر می‌پردازد. وی با بیان عدم عصمت جعفر و عوامل و انگیزه‌های نفسانی جعفر در به دست آوردن منصب امام عسکری علیه السلام با توجه به جایگاه و مقام اجتماعی و معنوی امام نزد مردم، قول او را نامعتبر؛ و استناد به قول جعفر در انکار امامت و ولادت حضرت را همانند استناد یهود و نصاری در نفی پیامبری حضرت رسول صلی الله علیه و آله به قول ابی‌لهب می‌داند (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ۶۱-۶۴).

در فصل سوم در پاسخ به شبهه وصیت امام عسکری علیه السلام به مادرش، به استناد داده‌های تاریخی به تحلیل عقلی می‌پردازد. شیخ مفید با توجه به اوضاع و شرایط حاکم در آن زمان،

این نوع وصیت امام عسکری علیه السلام را کاملاً در راستای هدف خود، یعنی پنهان داشتن فرزند از حاکم زمان، می‌داند. چرا که آوردن نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در وصیت، نقض غرض است (همان: ۶۹).

در فصل چهارم در پاسخ به شبهه «عدم وحدت رویه امام با پدران در استتار ولادت فرزند»، شیخ مفید به استناد حقایق تاریخی به تحلیل عقلی می‌پردازد. وی با توجه به اطلاعات و داده‌های تاریخی، اوضاع و شرایط حاکم بر یک زمان یا دوره‌ای را بررسی می‌کند و با مقایسه و تحلیل آن، انکار و استبعاد و تصور نادرست مستشکل را برطرف می‌سازد. بنا به گفته شیخ، دوران پدران امام عسکری علیه السلام دوران تقیه و تحریم قیام بود و اگر خون امامی ریخته می‌شد به اقتضای حکمت الهی امام دیگری به عنوان جانشین او قرار می‌گرفت. اما فرزند امام عسکری علیه السلام اگر ظاهر شود و خودش ریخته شود، حکمت الهی جانشینی را بعد از او اقتضا نکرده است. تا زمانی که امر به ظهور داده شود. در این هنگام شیعیان مجازند که در تعیین و تحقیق و یاری او بکوشند و اعلام کنند (همان: ۷۳-۷۵).

## ۲. تحلیل عقلی اخبار و نقل‌ها

در فصل اول مفید پس از شمردن راه‌های اثبات ولادت فرزند، ملاک‌های آن را در اخبار اثبات‌کننده ولادت امام، صحیح‌تر و موکدتر می‌داند. اولاً به جهت آن‌که همه ناقلین خبر از افراد ثقه و اهل فضل هستند. ثانیاً به جهت محتوای اخبار وارده، که بدین شرح است: ۱. اعتراف و اعلام خود صاحب فرزند به ولادت و وجود فرزندش مهدی و نص بر امامت؛ ۲. مشاهده افرادی موثق فرزند را؛ ۳. رساندن اوامر و نواهی و پاسخ‌های حضرت به شیعیان و پرداخت وجوه مالی شیعیان به حضرت (همان: ۵۹).

## ۳. استفاده از اصول مسلم منطقی، فلسفی و اصولی

### محال عادی و ذاتی

در پاسخ به شبهه مطرح در فصل ششم «خلاف عادت بودن ادعای طول عمر و ظهور در قامت جوان»، مفید مستشکل را متنبه می‌سازد که آنچه در تصور شما محال است، عادتاً و از نظر ما چنین است. وگرنه ذاتاً و فی نفسه محال نیست. چرا که نمونه‌هایی این‌چنینی وجود داشته است (همان: ۹۲).

### یکی بودن حکم امثال؛ وقوع شیء بهترین دلیل بر امکان

شیخ در موارد متعددی در پاسخ به شبهات، به نمونه‌های مشابه آنچه برای مستشکل نامانوس بوده است، مثال می‌زند. در واقع او در این روش پاسخ، به این قاعده که «حکم امور شبیه به هم - در آنچه برایشان جایز و ممکن است یا نیست - یکی است (حکم الامثال فیما یجوز و فیما لایجوز واحد) و این قاعده که «بهترین دلیل بر ممکن بودن چیزی تحقق آن است» (ادل دلیل علی امکان الشیء وقوعه) استناد کرده است (ر.ک: همین مقاله، ۱۴، پاسخ به روش نقض).

### قیاس استثنائی

در قسمتی از پاسخ به شبهه هفتم در قالب یک قیاس استثنایی می‌گوید با غیبت امام فساد ایجاد می‌شود. اگر سبب غیبت امام خدا باشد پس خدا سبب فساد شده است. ولی خدا سبب فساد نمی‌شود و این از او جایز نیست. پس سبب غیبت، ظالمین هستند (همان: ۱۰۷).

### بطلان قیاس مع الفارق

در پاسخ به شبهه مطرح در فصل هشتم «بطلان قول و عقیده ما در مسئله غیبت امام به همان علت بطلان قول دیگر فرقه‌های قائل به غیبت امام‌شان»، بیان می‌کند کشته شدن افرادی که مدعی غیبت و مهدویت آنها بودند محسوس و قطعی و قابل مشاهده بود و امامان بعدی به کشته شدن آنها گواهی دادند و انکار محسوس نزد عقلا باطل است. اما این گواهی و مشاهده محسوس در مورد امام غائب فرقه امامیه اتفاق نیافتاده است. و نسبتی بین این دو مورد مقایسه وجود ندارد (همان: ۱۱۱-۱۱۲).

### اجماع و سیره علما

او در پاسخ به شبهه اول، از دلیل سیره عقلا هم کمک می‌گیرد و می‌گوید مسئله استتار ولادت مورد تایید و وفاق عقلا است و ایشان شبهه‌ای در این باره ندارند (همان: ۵۸).  
در پاسخ به شبهه نهم نیز به سیره عقلا استناد کرده، می‌گوید نزد عقلا این مسئله مورد وفاق و مناسب است و تناقض و تضادی در درستی تدبیر و مصلحت خواهی وجود ندارد (همان: ۱۱۵-۱۱۶). همه فرقه‌های مختلف هم بر این مسئله اتفاق نظر دارند که ثبوت امامت مصلحت عامه است ولی هرگاه معذور شد اصلح و صواب آن است که آنها که مأمور به پیمان و قیام هستند از روی تقیه امر خود را ترک کنند (همان: ۱۱۸).

### تغییر حکم به تغییر مصلحت

در پاسخ به شبهه نهم «خودمتناقض بودن ادعای امامیه در مصلحت داشتن وجود و ظهور امام و نیز غیبت امام»، بیان می‌دارد که این قاعده نزد هر حکیم و هر عاقلی نافذ و جاری است که تدبیر امور و احکام وابسته به تغییر مصلحت آنها و تغییر مصلحت وابسته به تغییر رفتار افراد است. مسئله تقیه هم در همین راستا است. گاه تغییر مصلحت به تغییر احوال ایجاب می‌کند که اظهار کفر شود یا برخی احکام الهی تعطیل شود (همان: ۱۱۴-۱۱۶).

### دفع توهم نادرست مستشکل با ارائه تبیین صحیح و روشن

در روشی دیگر شیخ مفید با تبیین روشن و صحیح دیدگاه امامیه، توهم و تصور نادرست مستشکل را رد می‌کند. به این منظور شیخ مفید در پاسخ به شبهه مطرح در فصل پنجم «خلاف عرف و عادت بودن طول مدت غیبت و خبر و اثری از امام نداشتن»، (ضمن ذکر برخی اسامی) می‌گوید چنین نیست که در دوران غیبت هیچ خبر و اثر و دیداری از او نباشد. برخی از یاران و خواص امام عسکری علیه السلام از وسائط و مرتبطين میان امام و مردم بودند. در غیبت کبری هم برخی اولیاء ثقه به خدمت حضرت می‌رسند. اگر خداوند به جهت تدبیر مصالح مخلوقات فردی را پنهان کند و مردم مکانش را ندانند، هیچ خلاف عرف و عادت رخ نداده است (همان: ۷۸-۸۳).

روش به کار رفته در پاسخ به شبهه مطرح در فصل هفت «ناسازگاری استمرار غیبت امام با وجه ضرورت نیاز به امام در حفظ و اجرای شریعت»، نیز عبارت است از تنبیه به تصور نادرست مستشکل با تبیین و تحلیل درست از وجه ضرورت امام. مفید در این پاسخ بیان می‌کند که گمان و تصور مستشکل درست نیست. غیبت با وجه نیاز به امام منافات ندارد. شیعیان و نائبان امام متولی امور می‌شوند و نیاز به تولی امام بنفسه نیست (همان: ۱۰۵-۱۰۶).

همچنین در پاسخ به شبهه مطرح در فصل دهم هم به این شبهه عمل می‌کند. در فصل دهم این شبهه مطرح است که در طریقه شناخت امام، ادعای امامیه این است که معجزه خاص پیامبر است و پیامبر اسلام پیامبر خاتم است؛ اما امام غائبی که کسی او را ندیده است چگونه خود را معرفی می‌کند و اگر از معجزه استفاده کند نقض ادعای امامیه است. شیخ مفید با تبیین درست موضع امامیه این تصور نادرست مستشکل را دفع می‌کند و می‌گوید معجزه منحصرًا دلیل بر صدق نبوت نیست بلکه دلیل بر صدق ادعای مدعی است و البته مختص کسانی است که از گمراهی و گناهان کبیره مصون هستند (همان: ۱۲۳).

#### ۴. استدلال کلامی با استناد به آموزه‌های اعتقادی

##### قدرت لایزال الهی

در پاسخ به همان شبهه ششم مفید بیان می‌دارد که حتی اگر این موارد هم عادتاً اتفاق نیافتاده بود، در حیطه قدرت الهی است که انجام دهد (همان: ۹۲).

##### شرایط امامت

در رد شبهه هشتم، می‌گوید رد دیدگاه دیگر فرقه‌ها نه به جهت غیبت طولانی امام مدعی آنهاست؛ بلکه به جهت نداشتن شرایط و استحقاق امامت است (همان: ۱۱۲).

#### ۵. استدلال نقلی (نقل روایی)

بخشی از پاسخ مفید به شبهه پنجم چنین است: اخبار و روایات متعدد درباره وجود دو غیبت برای امام وجود دارد و تحقق این دو غیبت حقانیت و صدق روایات را آشکار می‌سازد (همان: ۸۲).

در فصل دهم نیز از این روش استدلال استفاده کرده است. او در بخشی از پاسخ، روایات وارد از ائمه را در وقوع علامات و نشانه‌هایی پیش از ظهور، بیان می‌دارد (همان: ۱۲۱-۱۲۲).

#### ۶. تحلیل روان‌شناختی

۱. در بخشی از پاسخ به شبهه مطرح در فصل دوم، به تحلیل روان‌شناختی می‌پردازد و می‌گوید استناد به اقوال چنین افرادی (مانند جعفر بن علی در انکار جانشین برای برادرش) نشانه جهل و سفاهت است (همان: ۶۴-۶۵).

۲. در فصل سوم هم این روش پاسخ را به کار گرفته است. او اشتباه در برداشت از این نوع وصیت‌ها را ناشی از دوربودن از فهم و ذکاوت و معرفت و ناتوانی از درک احوال عقلا در تدبیر مصالح امور می‌داند (همان: ۷۰).

۳. در بخشی از پاسخ به شبهه نهم تحلیلی روان‌شناختی ارائه می‌دهد که تصور و غلبه این شبهه ناشی از جهل مستشکل به وجه و علت صلاح و سبب فساد است (همان: ۱۱۴). یا دلالت بر ضعف و عدم شناخت امامت نزد فرقه‌های مختلف دارد (همان: ۱۱۷).

#### ۷. ادب نقد و پاسخ به شبهه (رعایت ادب اسلامی و انسانی در نقد افراد)

شیخ مفید به این نکته توجه دارد و در فصل دوم در قسمتی از پاسخ خود (درباره شخصیت جعفر) بیان می‌کند که چون بسیاری از اولاد جعفر به وجود و حیات و ظهور حضرت اعتقاد دارند

به جهت رعایت حال ایشان از شرح بیشتر سرگذشت او خودداری می‌شود (همان: ۶۵-۶۶).

## ۸. پاسخ به روش نقض

### الف) استناد به شواهد و نمونه‌های نقض (به روش نقل تاریخی)

شیخ مفید از این روش در فصل اول در پاسخ به شبهه «تناقض داشتن استتار ولادت با عرف و عادت» استفاده کرده است. در این روش شیخ مفید نمونه‌های متعدد از استتار ولادت در میان پادشاهان و مردم عادی می‌آورد که به انگیزه‌های مختلف فرزند خود را مخفی می‌کردند. انگیزه‌هایی مانند مخفی نگه داشتن فرزند از همسر اول برای جلوگیری از تنش و تباهی در زندگی، به جهت طمع خویشاوندان در ارث و آسیب رساندن به فرزند، یا به جهت برخی مصالح مملکتی و دیگر انگیزه‌ها و این یک امر عادی و عرفی بوده است. علاوه بر این که مسئله اختفاء ولادت را در برخی انبیاء هم داشته‌ایم (همان: ۵۳-۵۸).

همچنین در فصل سوم در پاسخ به این شبهه که امام حسن عسکری علیه السلام مادر خود را وصی قرار داده است و نامی از فرزندش نیاورده است، به ذکر شواهد و نمونه‌هایی می‌پردازد تا تأیید کند امام عسکری علیه السلام در راستای هدفش این گونه عمل کرده است. در این باره می‌گوید امام اضطراباً و برای محکم کاری و رفع سوءظن و مبرا کردن شیعیان، برخی درباریان دولت عباسی را هم در وصیت نام می‌برد (همان: ۶۹-۷۰).

نمونه مشابه این مسئله، وصیت امام صادق علیه السلام به فرزندش امام کاظم علیه السلام است که او نیز برای از بین بردن حساسیت و حفظ و حراست از فرزندش و جانشینی او، افراد دیگری را هم در وصیت نامه به عنوان وصی نام می‌برد (همان: ۷۰-۷۲).

همچنین در فصل ششم که شبهه مطرح، «عدم سازگاری و خلاف عادت بودن عمر طولانی» است، به نقل و داده‌های تاریخی در بیان معمرین اشاره می‌کند. در یک قسمت از پاسخ، مفید به نقل اخبار موجود در معرفی افراد با عمر طولانی از اقوام مختلف می‌پردازد که در کتاب‌های شان آمده است و نمونه‌های متعددی از این افراد را نام می‌برد. در این باره هم به توافق و عدم اختلاف اهل کتاب و ملل اشاره می‌کند (همان: ۹۳-۱۰۳).

در فصل هفتم که شبهه ناسازگاری غیبت با وجه ضرورت امام آمده است، شیخ به نمونه‌های مشابه استناد می‌کند و می‌گوید در دعوت انبیاء هم چنین بوده است که در غیبت ایشان یا در مناطق دیگر امرا و نایبان و عمال آنها عهده دار امور می‌شدند (همان: ۱۰۶).

در فصل دهم در پاسخ این شبهه که معجزه نمی‌تواند راه شناخت و معرفی امام باشد، شیخ



به موارد نقضی اشاره می‌کند که بدون داشتن منصب نبوت (مانند حضرت مریم علیها السلام یا مادر حضرت موسی علیه السلام)؛ اما معجزاتی در ارتباط با ایشان اتفاق افتاد (همان: ۱۲۳-۱۲۴).

#### ب) استفاده از مستندات تاریخی، سیره‌نویس‌ها و آیات قرآن در معرفی نمونه‌های مشابه

در این شیوه شیخ مفید از مقبولات خصم برای اثبات مدعایش استفاده می‌کند در فصل پنجم در پاسخ به این شبهه که طولانی شدن غیبت امر خلاف عادت و عرف است، نمونه‌هایی از غیبت برخی افراد را ذکر می‌کند که مورد اتفاق تمام مسلمین و اهل کتاب است و چه بسا برخی موارد آن بسیار غریب‌تر و بیشتر خلاف عرف و عادت است. اما در تاریخ مقبول و قرآن آمده است (همان: ۸۳-۸۷).

#### ج) اجماع

او سپس در همین راستا اجماع اهل اسلام بر نمونه‌ها و مواردی که ذکر شد را بیان می‌کند و می‌گوید ما در پاسخ به شبهه به اجماع ایشان استناد می‌دهیم (۸۸). در پاسخ به شبهه مطرح در فصل ششم هم شیخ نمونه‌هایی از عمر طولانی یا عجاییبی از خلقت در میان انبیاء را مثال می‌زند که تغییر و عجز و جهلی هم در آنها اتفاق نیافتاد. سپس قید می‌کند این نمونه‌ها مورد اجماع و وفاق علما و اهل ملل و کتاب است (همان: ۹۲-۹۳).

#### د) اعتراف و اقرار گرفتن از مستشکل

در فصل پنجم شیخ پس از ذکر توضیحات و دلائل خود، مستشکل را تنبه می‌دهد که با این نمونه‌های مشابه دیگر چه راهی برای یک مسلمان می‌ماند که مذهب و اعتقاد امامیه را انکار کند (همان: ۸۸).

#### ه) مقایسه و نتیجه‌گیری از نمونه‌ها و داده‌ها

در فصل اول شیخ مفید پس از معرفی نمونه‌های نقض در یک مقایسه می‌گوید عوامل استتار ولادت حضرت حجت از عوامل یادشده در نمونه‌های دیگر آشکارتر و صحیح‌تر است (همان: ۵۸).

#### نتیجه‌گیری

مهدویت‌نگاری گونه‌ای رویکرد پژوهشی است که آثار نگارش یافته در زمینه مهدویت را از حیث ساختار یا محتوا یا روش یا مصدر و یا از همه این ابعاد می‌کاود. این شیوه پژوهش در کتاب *فصول العشره فی الغیبه* شیخ مفید با تمرکز بر روش شناسی انجام شد و سرانجام و ماحصل

آن، تدوین این مقاله گردید. شیخ مفید در زمانه شدت گرفتن تقابل عقل‌گرایی افراطی معتزلی و نقل‌گرایی افراطی اهل حدیث، به عنوان متکلم شیعی با روش عقل‌گرای اعتدالی ظاهر شد و به دفاع از عقاید شیعه و نقد دیگر مکاتب پرداخت. کتاب *الغیبه* او مشتمل بر ده فصل و هرفصل دربردارنده یک شبهه و پاسخ تفصیلی شیخ مفید به آن است. شبهات مطرح در این کتاب پیرامون مسئله پنهان بودن ولادت حضرت، نقض عادت بودن طول عمر حضرت، چرایی و امکان وجود یک فرد و غیبیت او، نقض عادت بودن غیبت طولانی، تناقض ضرورت وجود امام با غیبت او و این قبیل مسائل است. شیخ مفید در پاسخ به این شبهات رویکرد عقل‌گرایی اعتدالی خود را به کار بسته است. روش او در پاسخگویی، به تناسب بحث پیش کشیده شده استفاده از استدلال‌های عقلی مبتنی بر قواعد کلامی، فلسفی، اصولی و منطقی، استدلال‌های نقلی مبتنی بر روایات، استدلال‌های استقرایی مبتنی بر تجربه و تاریخ با ذکر شواهد و نمونه‌های مؤید یا نقض بوده است. در مواردی نیز از تحلیل‌های روان‌شناختی استفاده کرده است. دقت در شیوه‌های به کار رفته شده این نتیجه را به دست می‌دهد که در غیر از دوالی سه مورد استشهاد به اخبار و روایات، سعی و همت شیخ مفید بر آن بوده است که از روش‌های غیر نقلی بلکه با تکیه بر قواعد و اصول منطقی و عقلی مستشکل را مجاب کند. از این رو در سراسر کتاب، غلبه و سیطره استدلال و تحلیل عقلی و استشهاد به نمونه‌های نقض یا مؤید، در روش پاسخ دهی او به چشم می‌خورد. از آن جا که نوع رویکرد امروزمین افراد، عقل‌گرایی و درک عقلانی از معارف دینی است؛ آشنایی با شیوه برخورد یک متکلم عقل‌گرای شیعی که در عین حال پایبند به آموزه‌های دینی و متعهد به بهره‌گیری از انواع روش‌ها به تناسب جایگاه موضوع و مخاطب است، می‌تواند الگوی راهبردی برای متکلمین و مدافعین معارف دینی در پاسخ به شبهات در عصر کنونی باشد.

### منابع

۱. ابن بابویه قمی، علی بن حسین (۱۴۰۴ق)، *الامامه والتبصرة من الحیره*، قم: مدرسة الامام المهدي عنه السلام و رحمته العزیز.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳. ابن تیمیه، احمد (۱۹۸۲م)، *منهاج السنه*، بیروت: المكتبة العلمیه، سوم.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر.
۵. اهل سرمدی، نفیسه (۱۴۰۰ش)، «جایگاه عقل در اندیشه کلامی شیخ مفید؛ با تاکید بر نقد

- و بررسی دیدگاه‌های موجود»، *خردنامه صدر*، شماره ۱۰۳.
۶. جبرئیلی، محمدصفر (۱۳۸۹ش)، *سیرتطور کلام شیعه*، دفتر دوم: *از عصر غیبت تا خواجه نصیر طوسی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول.
۷. جعفری، محمدصابر (۱۳۸۹ش)، «درباره واژه مهدویت»، *پاسدار اسلام*، شماره ۳۴۹.
۸. جلالی، سیدلطف‌الله (۱۴۰۰ش)، «آغاز غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف حیرت شیعیان و نقش عالمان شیعه در رفع آن»، *شیعه‌شناسی*، سال نوزدهم، شماره ۷۴.
۹. حسین، جاسم (۱۳۷۷ش)، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف*، ترجمه: محمدتقی آیت‌اللهی، تهران: امیرکبیر، دوم.
۱۰. حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۹۹ق)، *معجم البلدان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۴۰۸ق)، *معجم الادباء*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول.
۱۲. خزاز قمی، علی بن محمد (۱۳۹۲ق)، *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، قم: زمزم هدایت.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران، دوم.
۱۴. زبیدی، محمدبن مرتضی (۱۹۶۵م)، *تاج العروس*، بیروت: دار الاحیاء لتراث الاسلامی.
۱۵. سیدرضی، محمدبن حسین (۱۳۸۹ق)، *نهج البلاغه*، قم: بوستان کتاب، هفتم.
۱۶. شوشتری، نورالله (۱۳۶۵ش)، *مجالس المؤمنین*، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۱۷. صداقت‌کشفی، محمدجواد؛ همامی، عباس (۱۳۹۶ش)، «مقایسه رویکرد مهدویت‌نگاری شیخ صدوق و شیخ طوسی»، *پژوهش‌نامه قرآن و حدیث*، شماره ۲۰.
۱۸. صفری‌فروشانی، نعمت‌الله؛ صمدی، روح‌الله (۱۳۹۹ش)، «کاوشی در مهدویت‌نگاری سیدهاشم بحرانی با محوریت کتاب حلیة الأبرار»، *انتظار موعود*، شماره ۷۰.
۱۹. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامی.
۲۰. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، قم: نشر الفقاهه، اول.
۲۱. عسقلانی، ابن حجر (بی‌تا)، *لسان‌المیزان*، بیروت: دارالفکر.
۲۲. عمید، حسن (بی‌تا)، *فرهنگ عمید*، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
۲۳. فرمانیان، مهدی؛ صادقی‌کاشانی، مصطفی (۱۳۹۴ش)، *نگاهی به تاریخ تفکر امامیه؛ از آغاز تا ظهور صفویه*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.

۲۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳ش)، دانش نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث.
۲۵. معرفت، محمد (۱۳۹۹ش)، مهدویت نگاری در سده های نخستین، قم: ادیان و مذاهب، اول.
۲۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله، بیروت: دارالمفید، دوم.
۲۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، الافصاح، بیروت: دارالمفید، دوم.
۲۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، التذکره باصول الفقه، بیروت: دارالمفید، دوم.
۲۹. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، الفصول العشره فی الغیبه، بیروت: دارالمفید، دوم.
۳۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، الفصول المختاره، بیروت: دارالمفید، دوم.
۳۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المسائل الجارودیه، بیروت: دارالمفید، دوم.
۳۲. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المسائل السروییه، بیروت: دارالمفید، دوم.
۳۳. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المسائل الصاغانیه، بیروت: دارالمفید، دوم.
۳۴. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المسائل العکبری، بیروت: دارالمفید، دوم.
۳۵. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، النکت الاعتقادیه، بیروت: دارالمفید، دوم.
۳۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، النکت فی مقدمات الاصول، بیروت: دارالمفید، دوم.
۳۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، اوائل المقالات، بیروت: دارالمفید، دوم.
۳۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، تصحیح الاعتقاد، بیروت: دارالمفید، دوم.
۳۹. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، خلاصه الایجاز، بیروت: دارالمفید، دوم.
۴۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، مسئله فی الاراده، بیروت: دارالمفید، دوم.
۴۱. مکدرموت، مارتین (۱۳۶۳ش)، اندیشه های کلامی شیخ مفید، ترجمه: احمد آرام، تهران: دانشگاه تهران.
۴۲. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، رجال النجاشی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴۳. ندیم، ابوالفرج (۱۹۸۸م)، الفهرست، مصر: دارالمیصره، سوم.
۴۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، کتاب الغیبه، تهران: مکتبه الصدوق.

